

موانع زیست ارتقایی در خانواده از منظر اسلام

دادخدا خدایار^۱

مهدی قائمی راد^۲

ابراهیم فلاح^۳

چکیده

بحران معنویت یکی از آثار و پیامدهای عصر مدرن است. به رغم پیشرفت‌های چشمگیر در علوم پزشکی، روز به روز بر آسیب‌ها و بیماری‌های روحی - روانی افزوده می‌شود و به تبع آن بیماری‌های جسمی نیز گسترش می‌یابد. مطالعات و تجربیات بشر نشان می‌دهد که برای رشد و تزریق معنویت، ضرورت دارد شناخت، توجه، عمل و روی آوردن به دین و احکام آن در اولویت قرار گیرد. اسلام یکی از کانون‌ها و هسته‌های مهم تولید و صدور معنویت را نهاد مقدس خانواده می‌داند.

فلسفه تشکیل خانواده در اسلام به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی ایجاد محبت، نشاط، قداست، معنویت، سلامت، آرامش، آسایش و رشد برای اعضای خود و جامعه است، اما موانع، آفات و آسیب‌هایی باعث می‌شود تا این کانون مقدس در فرایند تشکیل و استمرار خود نه تنها باعث تعالی و ارتقای فضائل و معنویات نگردد، بلکه نتیجه عکس داده و از هم گسیخته شود. به همین منظور هدف در این مقاله آن است تا بر اساس شاخص‌های اسلامی، اهم آفات و انحرافات که مانع رشد معنویت خانواده می‌شود احصاء و بررسی و تحلیل گردد. فرض بر این است که مسائلی چون ازدواج گریزی، خودداری از تولید نسل، کاهش روابط خانوادگی، اسراف و تجمل‌گرایی، تغییر در سبک خواب و بیداری و... به دلیل ضعف در شناخت‌ها، باورها و ارزش‌های اخلاقی و دینی و تعدد سازمان‌یافته رسانه‌ای و تبلیغاتی مخالفان بدخواه از موانع مهمی است که دامنگیر بسیاری

۱. دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان بلوچستان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: abazeynab@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد قرآن و حدیث

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ساری، مازندران، ایران.

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۲/۲۲

۵۸ / فصلنامه اخلاق زیستی سال چهارم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۹۳

از خانواده‌های مسلمان گشته و به کاهش ارزش‌های معنوی منجر شده است. این نوشتار با روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام و ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی

سلامت معنوی، سبک زندگی، آفات زندگی خانوادگی، موانع رشد معنوی

مقدمه

هر مکتب و جهان‌بینی بر اساس نوع هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خود، تلقی خاصی از رشد و کمال انسان دارد. بعضی از مکاتب ترقی و تکامل انسان را صرفاً در کمالات دنیوی مثل قدرت و ثروت و لذت دانسته و عده‌ای دیگر رشد روحی، روانی، فکری و ابعاد اخروی را ملاک کمال حقیقی می‌دانند، اما در نگرش جامع، کمال و ترقی انسان در همه ابعاد مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی مد نظر است.

اسلام به عنوان مکتبی جامع، پویا و مترقی، دیدگاهی جامع‌نگر به انسان دارد و هدف از خلقت را رشد و پیشرفت همه‌جانبه او می‌داند تا به تبع کمال جامع و کامل انسان، سلامت و سعادت جسمی و روحی او و جامعه تأمین گردد. (اعرافی، ۱۳۷۶ ش.) در آموزه‌های اسلامی رشد و سلامت تک‌بعدی و جزیره‌ای و کاریکاتوری مقبول و مطلوب نیست و باعث وصول انسان به کمال نهایی و ایجاد جامعه ایده‌آل نمی‌گردد. در این مکتب توجه نظام تعلیمی، تربیتی و تلاش نظام سلامت صرفاً برای تحقق اهداف پرورش و رشد و سلامت مادی، دنیوی و بدنی، ناقص و معیوب محسوب می‌شود که کارایی لازم را برای ساختن انسان سالم، صالح و کامل ندارد و نمی‌تواند نیازهای حقیقی انسان را که جنبه روانی و معنوی دارد تأمین کند. در نتیجه آرامش، سلامتی و فضایل و کمالات در خور انسان را به ارمغان نمی‌آورد و جامعه مطلوب انسانی و الهی تشکیل نمی‌گردد و از اضطراب‌ها، دغدغه‌ها، فشارهای روانی، خشونت‌ها، جنگ‌ها و خصومت‌ها نمی‌کاهد. به همین دلیل بشر امروزی نه تنها دچار بیماری‌های روحی و روانی بیشتری گردیده، بلکه این بیماری‌ها منجر به بیماری‌های جسمی وی نیز شده است. (قدرولایت، ۱۳۹۰ ش.)

بر همین اساس دین مبین اسلام به عنوان تفکری جامع اندیش، انسان را خلاصه و عصاره خلقت و دربردارنده ابعاد مادی و معنوی دانسته، به تمام جنبه‌ها و ابعاد شخصیت ترکیبی وی از قبل از تولد تا بعد از مرگ توجه و عنایت دارد و برنامه‌های متنوعی برای رشد و سعادت مادی و معنوی او پیش‌بینی نموده است. البته در این راستا اساس را رشد و کمال معنوی، روحی و روانی می‌داند و راز پیشرفت حقیقی انسان را قرار گرفتن روی خط معنویت ارزیابی کرده است. (مؤسسه قدر ولایت، ۱۳۸۰ ش.)

به طور کلی اسلام برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری واسطه‌ای رشد همه‌جانبه انسان را بر محور قرب خدا و سلامت معنوی که هدف نهایی است، در چهار حوزه زیر تعریف کرده است:

الف: ارتباط و تعامل انسان با مبدأ و خداوند، ب: ارتباط و تعامل انسان با خود، ج: ارتباط و تعامل انسان با سایر انسان‌ها، د: ارتباط و تعامل انسان با طبیعت (اعرافی، ۱۳۷۶ ش.)

اگرچه همه این حوزه‌ها و ابعاد تحت تأثیر و تأثر یکدیگر هستند، اما رکن رکین و اصل اصیل، باور توحیدی است که رویکردی مقدس و معنوی در تمام افکار، اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی در انسان نسبت به سایر حوزه‌ها ایجاد می‌کند و ثمره آن رشد و کمال و قرب و وصول به حضرت حق است که حقیقت و واقعیت معنویت و سلامت را به دنبال خواهد داشت. هر کدام از این ابعاد و حوزه‌ها که بخشی از سبک زندگی اسلامی و زیست ارتقایی را شامل می‌شود از جنبه‌های مختلف قابل بحث و پژوهش است، اما در این نوشتار توجه و تمرکز ما به گوشه‌ای از بخش سوم یعنی کم و کیف ارتباط نظری و عملی انسان با سایر انسان‌هاست. این حوزه از حیات انسان خود شامل زیرمجموعه‌های متنوعی می‌گردد که از جمله آن‌ها «خانواده» و متعلقات آن است.

در شریعت اسلامی برای رشد و سعادت و سلامت جامع خانواده، احکام، آداب، برنامه‌ها، وظایف، دستورالعمل‌ها، روش‌ها و توصیه‌هایی وجود داشته و دارد (شکور، ۱۳۸۶ ش.) که شناخت و بکار بستن آن‌ها، منجر به قداست و معنویت فضای خانواده و ایجاد بستری شایسته برای کمال همه‌جانبه انسان و کانونی پر از صفا و صمیمیت و محبت و نشاط و آرامش می‌گردد و منشأ صدور این فضایل نیز می‌شود. «خانواده امتی کوچک است که امت وسط و نمونه را می‌آفریند». (سپاه پاسداران، ۱۳۶۰ ش.) تجربه تاریخی تمدن اسلامی این ادعا را تأیید می‌کند. بروز و ظهور عالمان، نخبگان و دانشمندان صالح، عارفان مصلح، حاکمان خادم و اولیاء الله سائس و... از میان خانواده‌های اسلامی نمونه‌هایی از ثمرات و نتایج این تفکر و سلوک و زیست ارتقایی است.

اما سؤالی جدی و اساسی در این خصوص مطرح است که به رغم وجود و حضور این شریعت کامل و ناب، هم در ساحت نظری، راهبردی و معرفتی و هم در عرصه عملی و کاربردی خانواده‌های مسلمان، چرا بخش اعظمی از خانواده‌ها در معاشرت درونی، در استحکام و استمرار ساختاری، در تولید نسل سالم و صالح، در تربیت انسان‌های مهذب و مفید، در سازگاری‌های محبت‌افزا، در معاشرت‌های پویا، در هم‌افزایی معنوی و به طور کلی در سلامت و سعادت زندگی خود ناموفق، ضعیف، ناامید، ناکارآمد و نامطلوب جلوه کرده و می‌کنند و یک خانواده مقبول و ایده‌آل اسلامی به حساب نمی‌آیند؟

در این مقاله که موضوع آن اخلاق زیستی و طب معنوی به عنوان مقدمه و مکمل سلامت جسمی است، سعی شده است تا به این سؤال مهم و اساسی با روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل و توصیف نظری پاسخ داده شود. مطالعات و تأملات نشان می‌دهد، «علاوه بر فاعلیت فاعل، قابلیت قابل نیز شرط است». اندیشه‌های

راهبردی و دستورات کاربردی اسلام برای سلامت و رشد معنوی خانواده به اندازه لازم و کافی وجود دارد، اما آفات، موانع، آسیب‌ها و بیماری‌های شناختی و عملی که به عنوان فرهنگی بیگانه جایگزین فرهنگ و تمدن اسلامی در خانواده‌های مسلمان شده است، سلامت و معنویت حقیقی را به یغما برده و بسیاری از مسلمانان با دلخوشی به مجازها، از حقیقت حیات طیبه خود غافل گشته و دور افتاده‌اند. نمونه‌های بارزی از این آفات و موانع در حیات خانوادگی مسلمانان وجود دارد که در حد وسع این مقاله و بضاعت قلیل نگارنده به آن پرداخته می‌شود. ناگفته نماند که مقیاس و معیار سنجش و ارزیابی ما از خانواده و تعیین آسیب‌ها و موانع و آفات رشد معنویت و سلامت خانوادگی، آموزه‌های اسلامی و قوانین و دستورات معقول و مشروع می‌باشد.

مفهوم‌شناسی

لازم است قبل از ورود به متن اصلی مقاله به شرح اجمالی بعضی از کلید واژه‌ها برای معین‌شدن گستره و حدود مسأله و موضوع پرداخته شود و هدف از رویکرد و افق مدنظر در این نوشتار تبیین گردد.

۱- خانواده: خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی مفهومی انتزاعی است که در محدودترین گستره مفهومی خود با ازدواج میان مرد و زن شکل می‌گیرد، لذا مفهوم حقوقی آن عبارت است از «یک واحد حقوقی که لااقل از یک زن و مرد که بین آنها رابطه زوجیت وجود پیدا کرده، ناشی می‌شود». (کمالی، ۱۳۸۶ ش.). باتولد فرزندان مفهوم خانواده گسترده‌تری می‌یابد و با ملاحظه بستگان نزدیک، مفهوم خانواده بزرگ و سپس با در نظر گرفتن همه بستگان، با چند واسطه مفهوم تبار و عشیره شکل می‌گیرد. بنابراین خانواده بر

اساس ساختار، تعداد و نقش غالب هر کدام دارای انواع و اقسامی است. (بستان، ۱۳۹۰ ش.) در این مقاله خانواده در گستره روابط همسران با یکدیگر و فرزندان و روابط متقابل مد نظر است.

۲- رشد معنوی: معمولاً رشد و ترقی و کمال و پیشرفت را بر اساس هدف و مراتب هدف‌های مقدماتی، واسطه‌ای و نهایی ارزیابی می‌کنند. از آنجا که رشد و کمال زندگی، بالانحص حیات خانوادگی از جهت کمی و کیفی وابسته به اهداف زندگی است، می‌تواند به نسبت اهداف مادی مثل: ثروت، امکانات، وسایل و ابزار رفاهی، قدرت و مکتب سیاسی و اجتماعی، لذات جسمانی و... و اهداف معنوی مثل: علم، ایمان، قداست، محبت، مودت، خدمت و مساعدت به خلق، ایثار، انفاق و... نسبی باشد. به همین دلیل سلامت معنوی به عنوان یکی از ابعاد نظام سلامت، خوشبختی و رستگاری زندگی دنیوی و اخروی را با تکیه بر دین و مذهب، هم در بعد پیشگیری و هم در بعد درمان دنبال می‌کند. به عبارت دیگر رشد معنوی همان ارتقای سلامت معنوی است که عبارت است از فرایند توانمندسازی افراد جهت افزایش تسلط بر سلامت همه جانبه خود و بهبود آن. (فرج خدا و دیگران، ۱۳۹۱ ش.) در تشکیل خانواده و تداوم، حفظ و استحکام آن نیز می‌تواند اهداف متفاوتی مد نظر باشد. در این خصوص هم هدف‌های عامی است که عموم مردم در نظر دارند و هم هدف‌های ویژه‌ای که هر زن و مردی ممکن است برای خویش داشته باشند. رفع نیازهای جنسی، تولید نسل، همیاری و همکاری دنیوی و اقتصادی از یکسو و تأمین مودت و رحمت و آرامش و هم‌افزایی علمی و معنوی از سوی دیگر از اهداف تشکیل خانواده است، (مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ ش.) لذا رشد معنوی در زندگی خانوادگی به معنای ترقی و کمال و پیشرفت همه جانبه و معقول در علوم و شناخت‌های ضروری، ایمان و اعتقاد و فضائل اخلاقی،

اعمال و رفتار صالح و... می‌باشد که در سایه آن صفا و محبت و آرامش و سلامت و اعتدال در افراد خانواده حاکم گردد و اعضای آن خانواده مصداق مقربان و انسان‌های بافضیلت گردند و به همدیگر در طریق کمال و سعادت و سلامت و همزیستی صادقانه کمک و مساعدت نمایند و فرزندان سالم و صالح به جامعه تحویل دهند. به طور کلی از منظر اسلام خانواده‌ای دارای رشد معنوی است که در آن مادیات جنبه ابزاری داشته باشد نه هدف نهایی، به عبارت دیگر از سلامت جسمی و امکانات رفاهی دنیوی برای قرب به خدا و فضایل الهی استفاده شود.

۳- سبک زندگی: سبک به نسبت رویکرد و نگرش تعاریف و معانی متفاوتی دارد. در لغت عرب به معنای گذاختن و ریختن زر و نقره است و در فارسی به معنای نوع خاصی از نظم و نثر است که معادل style اروپایی است. (بهار، ۱۳۷۹ ش.). سبک زندگی (life style) برای توصیف شرایط زندگی انسان استفاده می‌شود و سبک هر فرد روشی است که وی برای بیان اندیشه خود بر می‌گزیند. (محبوب، ۱۳۵۰ ش.)، از مجموع تعاریف متنوعی که درباره سبک زندگی ارائه شده است می‌توان گفت سبک زندگی شامل رفتارهای فردی و اجتماعی است که ریشه در دانش‌ها، ارزش‌ها، باورها و فرهنگ‌های هر فرد و جامعه دارد. سبک زندگی به عنوان نقشه و راهنمایی است که افراد بر اساس آن زندگی می‌کنند. با این وصف هر مکتب و ملتی برای زندگی خود سبک و روش خاصی دارد، اما در پاسخ به این سؤال که کدام روش و سبک زندگی بهتر و کامل‌تر و مطمئن‌تر است، باید گفت عقل حکم می‌کند آن سبک و روشی ارزشمندتر و غنی‌تر باشد که خالق و آفریننده عالم و حکیم مطلق هستی و بشر آن را بر اساس فطرت و نیازهای انسان ترسیم و ارائه کرده است، لذا سبک زندگی اسلامی که مبنای نوع معاشرت و زیست خانوادگی مسلمانان است و ریشه در جهان‌بینی و ایدئولوژی توحیدی و

قرآنی و اهل بیتی (ع) دارد از سایر سبک‌ها کامل‌تر است. (مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۱ ش؛ آذیر، ۱۳۹۰ ش؛ جمالی، ۱۳۹۲ ش.) سبک زندگی چیزی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد و بخش حقیقی و اصلی تمدن است مثل مسأله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک و

ضرورت و ارزشمندی موضوع

خانواده از نظر اسلام و خیلی از ادیان جایگاهی بسیار مهم دارد و سنگ اول بنای حیات جامعه است. هرگونه پیشرفت و خوشبختی در ابعاد مختلف در سایه خانواده سالم حاصل می‌شود و هرچه محیط خانواده سالم‌تر و امن‌تر باشد سعادت و سلامت جامعه ارتقاء می‌یابد. خانواده دانشگاهی است که پایه‌گذار شخصیت افراد است و مرکز اصلاح و افساد فرد و جامعه می‌باشد و نقش بسیار مهمی در پیشگیری از انحرافات و سقوط و نیز رشد و صعود دارد، (نحوی، ۱۳۸۸ ش.) زیرا خانواده کارکردهای مختلف حمایتی معنوی، عاطفی و معیشتی دارد که جایگزینی برای آن نمی‌توان یافت.

خانواده را رکن اساسی جامعه ذکر کرده‌اند و به اهتمام عملی برای سلامت آن سفارش شده است. رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی فرموده‌اند: «مسأله خانواده، مسأله بسیار مهمی است. خانواده پایه اصلی در جامعه است، مسؤول اصلی در جامعه است که اگر سالم باشد یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست. هر جهازی مجموعه سلول‌هاست. اگر ما توانستیم سلول‌ها را سالم کنیم پس سلامت آن جهاز را داریم...». (امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۹۱ ش.)

نکته مهمی که از این فرمایش قابل استفاده است. ارتباط سلامت بدنی و روانی افراد با سلامت خانواده می‌باشد، لذا ضرورت دارد که به عوامل و موانع سلامت خانواده و حفظ و رشد آن اهتمام ورزید، چراکه «خانواده رکن طبیعی و اساس اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه بهره‌مند شود.» (جعفری، ۱۳۸۵ ش). ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل بدون دخالت عالمانه و عاقلانه و مدبرانه خانواده میسر نمی‌باشد. بعضی از شاعران اسلامی ایرانی، به خاطر اهمیت موضوع خانواده در ابعاد مختلف آن از جمله سلامت خانواده شعر سروده‌اند. فردوسی در همین زمینه آورده است:

بدانگه که لوح آفرید و قلم بزد بر همه بودنی‌ها رقم
جهان را فزایش ز جفت آفرید که از یک، فزونی نیاید پدید
اگر نیستی جفت اندر جهان بماندی توانایی اندر نهان
دلاور که پرهیز جوید ز جفت بماند به آسانی اندر نهفت
چه مهتر چه کهتر چو شد جفت جوی سوی دین و آئین نهادست روی
(کرمی، ۱۳۸۷ ش.)

مهم‌تر این که احساس امنیت روانی در تعاملات اجتماعی هدیه‌ای است که در پرتو آن بستر مناسبی برای بروز توانمندی‌ها و ارضای نیازهای مادی و معنوی و حصول سلامت فردی و اجتماعی ایجاد می‌شود. یکی از پایه‌های اصلی این بستر خانواده است. خانواده همچون دانه‌ای است که علاوه بر کاشت و تأمین مقدمات و امکانات لازم برای جوانه‌زدن نیاز به داشت و نگهداری و حفاظت و مواظبت دارد. زیرا علاوه بر ایجاد کردن اقتضائات باید موانع نیز مفقود و معدوم گردد. برای این کار باید ابعاد مسأله را دید تا خانواده محلی برای ایمان، معرفت، محبت و معنویت شود. (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶ ش.) از این جهت ضرورت دارد تا

به موضوع شناخت آفات، آسیب‌ها و موانع رشد معنویت در خانواده که نقشی بی‌بدیل در سلامت و حفظ و ارتقای آن دارد پرداخته شود، زیرا درمان مؤثر و بهبودی کامل زمانی میسر است که تشخیص بیماری هرچه بهتر و زودتر انجام شود.

عناصر و مؤلفه‌های خانواده

خانواده به عنوان کانون مؤثر و ارزشمند که محوریت و اساس جامعه را تشکیل می‌دهد نهادی است با فرایند، عناصر و مؤلفه‌هایی که هر کدام اصل و رکنی در ایجاد و تشکیل آن محسوب می‌شود. به همین دلیل ساختار ترکیبی دارد از مراحل و اجزایی که می‌توان به قرار ذیل شمارش کرد. ازدواج با مقدمات و آداب و متعلقات آن، همسران (مرد و زن) و آئین و ضوابط مربوط به آنها، فرزندان و کم و کیف روابط و مسائل آن، خویشاوندان نسبی و سببی خانواده و آداب و روابط خویشاوندی (صله ارحام)، مسکن، پوشش، تغذیه، شغل، اقتصاد، عبادات، تفریحات، وسایل خانگی، بهداشت و... هر کدام اصل و یا فرعی از مؤلفه‌ها و عناصر یک خانواده را تشکیل می‌دهد، به نحوی که هر یک از این بخش‌ها خود موضوعی مستقل است که گنجایش بحث مفصلی دارد و می‌توان درباره عوامل و موانع رشد و عدم رشد و بایدها و نبایدهای آن مقالات و کتاب‌هایی تحریر کرد، اما به رغم تولید نوشته‌های قابل توجهی در خصوص ابعاد و ارکان خانواده، این نیاز همچنان ضروری به نظر می‌رسد.

در این نوشتار به دلیل گستردگی مطالب برای جلوگیری از اطاله کلام، بنابر اختصار و اجمال است و در حد فهرست به آسیب‌ها، آفات و موانع رشد معنوی و انسانی خانواده بسنده می‌شود.

ازدواج و موانع معنویت آن

از آنجا که نهاد مقدس خانواده با ازدواج شکل می‌گیرد، بحث را با این موضوع آغاز می‌کنیم. تعالیم عالیه اسلام به رغم مکاتب رهبانی بر انجام ازدواج و تشکیل خانواده بسیار تأکید کرده و قرآن به عنوان منبع اصلی آموزه‌های اسلام امر به ازدواج کرده است، (نور: ۳۲) لذا عده‌ای وجوب ازدواج برای کسانی که نیاز به آن دارند و جز از طریق ازدواج پاکی و سلامت آنها تأمین نمی‌گردد را با استفاده از این آیه توجیه کرده‌اند. (انصاریان، ۱۳۷۹ ش.) نظام ترکیب و تزویج و هم‌زیستی از منظر قرآن در همه آفریده‌ها برای توالد و تناسل قرار داده شده است، (ذاریات: ۴۹) اما فلسفه و حکمت ازدواج در انسان بسی بالاتر از تولید نسل است. در انسان ازدواج عامل سکون و آرامش و عشق و محبت و مهربانی و کسب کمالات و فضائل معنوی و سلامت روحی و جسمی است (روم: ۲۱) و در روایات ازدواج عامل عنایت و رحمت حق، نیک‌بختی، محبوب‌خدا شدن، نیک‌شدن اخلاق، گسترش روزی، ازدیاد جوانمردی، حفظ دین و تقوی، پذیرفته‌شدن عبادات، پاک‌چشمی و پاکدامنی، سعادت، محفوظ ماندن از شیطان و... دانسته شده و عزب ماندن و ازدواج‌نکردن نکوهش و تقبیح شده است. (مجلسی، ۱۳۷۴ ش؛ امینی، ۱۳۸۸ ش.)

از آیات و روایات مربوط به ازدواج این مطلب اساسی و مهم فهمیده می‌شود که ازدواج چنانچه بر اساس شرایط و آداب و ضوابط شرعی، عقلی و قانونی و عرف و سنت معقول و فطری انجام شود باعث سلامت، امنیت، معنویت و سعادت دنیوی و اخروی می‌گردد و از بسیاری از آفات و بیماری‌های جسمی و روحی فردی و خانوادگی و اجتماعی پیشگیری می‌کند و آثار و فواید بسیاری به دنبال دارد. (مؤسسه قدر ولایت، ۱۳۹۲ ش.) به رغم آثار درمانگری و اصلاح‌سازی و ارتقاء

و تکامل مادی و معنوی ازدواج، متأسفانه این سنت فطری، طبیعی، شرعی و عقلی توسط عده بسیاری از خود مسلمانان دچار آفات، انحرافات، آسیب‌ها و ضعف‌هایی شده است که به اهم آن اشاره می‌شود:

کاهش علاقه و تمایل به ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج دلایل مختلفی دارد. عدم بلوغ اجتماعی برای پذیرفتن مسئولیت خانواده، فقر و تنگدستی و نبود تمکن مالی، اشتغال به تحصیل و ادامه تحصیل، عدم اشتغال و بیکاری و نبود شغل مناسب و... (همان: ۳۷) می‌تواند برای عده‌ای دلیل قانع‌کننده‌ای برای تن‌ندادن به ازدواج و یا تأخیر آن باشد و برای عده‌ای دیگر بهانه‌ای برای فرار از ازدواج. اما واقعیت آن است که علاوه بر این موارد، دلایل دیگری نیز به عنوان آفت و بیماری، دامنگیر جامعه اسلامی شده و ازدواج سالم و ساده را با موانعی مواجه ساخته است.

– ضعف معرفت و ایمان و ارزش‌های دینی در خانواده‌ها بالاخص در جوان‌ها و عدم توجه و اهمیت و ارزش‌گذاری خانواده‌ها و نپرداختن هزینه‌های لازم برای آن.

– گسترش فساد و فحشا و روابط ناسالم بین دختران و پسران، آزادی جنسی، ترغیب و تشویق به طور مستقیم و غیر مستقیم به این امر و تسهیل و تأکید بر آن توسط امپراطوری رسانه‌های مخرب و شبکه جهانی ناتوی فرهنگی و... .

– مراعات نکردن آداب و سنت‌های مربوط به مقدمات ازدواج توسط برخی از جوانان مسلمان و خانواده‌ها، مثل اطلاع به خانواده‌ها، مشورت با بزرگترها، خواستگاری رسمی و عرفی، کسب رضایت والدین و خانواده‌ها و... .

– مرسوم‌شدن آشنایی‌ها و ارتباطات و خواستگاری‌های خیابانی، اینترنتی و ازدواج‌های خودسرانه، فرار از منزل و... .

– سختگیری بی‌جا و تجملاتی و مادی کردن ازدواج‌ها و مراسم عروسی، هزینه‌های بیهوده، تشریفات مازاد، مهریه‌های سنگین، ازدواج‌های اجباری و رقابتی و احساساتی، عدم همیاری و همکاری و تعاون خانوادگی و فامیلی و

بدیهی است چنین آسیب‌ها و آفات‌ها نه تنها باعث بی‌انگیزگی برای ازدواج می‌شود، بلکه گسترش الگوهای جایگزین فرهنگ غربی (ضد معنوی) ارتباطات جنسی و التذاذات غریزی را به همراه دارد. از سوی دیگر ازدواج‌های شکل‌گرفته نیز استحکام لازم را نداشته و جدایی و طلاق، بی‌وفایی، خشونت و خیانت همسران به یکدیگر و پیامدهای منفی بسیاری را به دنبال خواهد داشت. (آزیر، ۱۳۹۰ ش.؛ بستان، ۱۳۹۰ ش.)

همه موارد فوق، موانع فرایند سالم و معقول و مشروع ازدواج هوشمندانه و مبارک می‌گردند، چه از جانب جامعه، رسانه‌ها، خانواده‌ها و مراکز آموزشی در داخل کشور باشد و چه از سوی رسانه‌های بیگانه و به اصطلاح غیر خودی‌ها. این موانع بهداشت روانی فرد و خانواده و جامعه را تضعیف می‌کنند. برخلاف تصور کسانی که فکر می‌کنند همزیستی بدون ازدواج زندگی را بهتر و طولانی‌تر می‌کند، آمارها نشان می‌دهد که زندگی مجردانه و فرار از تأهل، بی‌بند و باری، بیماری‌های روحی و جسمی و آثار سوء بیشتری به دنبال دارد. (رضوان طلب، ۱۳۸۸ ش.) افراد مجرد گاه تحت تأثیر تحریکات جنسی گرفتار فشارهای روانی و فسادهای اجتماعی می‌شوند که قابل جبران نمی‌باشد. تحقیقات و آمارها نشان می‌دهد که روش‌های کاذب کسب آرامش و راحتی و الگوهای جایگزین غربی برای خانواده نمی‌تواند کارکردهای مثبت خانواده را تأمین کند. (قدر ولایت، ۱۳۹۰ ش.)

لازم به یادآوری است که هم از نظر اسلام و هم از منظر اخلاقی و روانشناسی رهیافت‌ها و راهکارهایی برای مبارزه با این انحرافات و پیشگیری و

درمان آن‌ها وجود دارد، (قدر ولایت، ۱۳۹۲ ش.؛ آیت‌اللهی، ۱۳۹۱ ش.؛ صهبا، ۱۳۹۲ ش.) اما چون هدف در این مقاله ذکر آفات و موانع و آسیب‌های ضد معنویت در خانواده است طرح و ارائه راه حل‌ها بیشتر از گنجایش این مقاله می‌باشد. علاقمندان می‌توانند به منابع مورد استفاده در همین مقاله مراجعه کنند.

موانع معنویت در روابط خانوادگی

با عنایت به این که خانواده غالباً شامل مرد، زن و فرزندان می‌شود روابط خانوادگی حداقل در بردارنده روابط مرد و زن با یکدیگر، روابط هر یک از والدین با فرزندان، روابط فرزندان با والدین و روابط فرزندان با یکدیگر می‌باشد. سلامت و معنویت این روابط تا حدی مرهون عوامل قبل از ازدواج و اهداف و کیفیت ازدواج است. چنانچه دختر و پسر به نام خدا و اذن پروردگار و مراعات معیارها و بایدها و نبایدهای انتخاب همسر با هم پیوند زناشویی ببندند و نیازهای زیستی، جنسی و روحی یکدیگر را برآورده سازند به آرامش و صفایی می‌رسند که در پرتو آن می‌توانند به معنویتی برتر دست یابند و چنانچه با شناخت، بصیرت، حکمت و تقوی بنیان خانواده را استمرار و تداوم بخشند و حقوق یکدیگر را بشناسند و مراعات کنند و با مهرورزی و ایثار و انفاق و تعاون با همدیگر تعامل کنند، هر روز بر معنویت و خوشبختی خانواده افزوده می‌گردد. تولد فرزندان با نیت افزایش نسل مؤمن، عالم، صالح و خدوم و رعایت آداب بهداشتی و اخلاقی و اجتماعی آن بر شیرینی و معنویت زندگی می‌افزاید. مراعات مسائل مربوط به تعلیم و تربیت فرزندان و تحقق عملی حقوق متقابل بین فرزندان و والدین و... باعث رشد و تکامل انسانیت در فرد فرد خانواده می‌گردد. علاوه بر آن خانواده را نعمت معنوی خدا دانستن، اتصال و انس خانواده را با خداوند، قرآن،

انبیا، اولیا و علما برقرار کردن و انجام عبادات مخصوصا نماز، از اصول معنویت در خانواده ذکر شده است. (انصاریان، ۱۳۷۹ ش.)

به طور کلی از نظر اسلام مهرورزی، همدلی و همراهی، رعایت حقوق، تأمین نیازهای مادی و غیر مادی، نیک رفتاری در روابط درون خانوادگی، باعث تحکیم و تقویت زیبایی‌های معنوی در خانواده می‌شود. (کمالی، ۱۳۸۶ ش.) البته روابط سالم خانوادگی منحصر به آنچه گفته شد نمی‌باشد، بلکه شامل روابط با خویشاوندان نسبی و سببی که خانواده با گستره بزرگ‌تری را تشکیل می‌دهد نیز می‌گردد. از دیدگاه اسلام برقراری ارتباط و تعامل حسنه اعضای خانواده در سطح اقوام درجه دوم و سوم و... نیز از عوامل سعادت و سلامت روحی و روانی فرد و اجتماع است که تحت عنوان صله رحم ضروری دانسته شده و بر آن تأکید گردیده است. (عاملی، ۱۳۸۹ ش.) قرآن کریم در چندین آیه به ارتباط و معاشرت با خویشاوندان سفارش کرده (رعد: ۲۱ و ۲۵؛ بقره: ۱۷۷؛ روم: ۳۸ و...) و نیز روایات بسیاری در ضرورت و اهمیت آن ذکر شده است. (دزفولی، ۱۳۶۹ ش.)

هر حقیقت و جمال و کمالی، آفات و اضرار و دشمنانی دارد. به دلیل برکات متنوع مادی و معنوی بالاخص امنیت و آرامش روانی که خانواده و روابط و معاشرت حسنه اعضای آن دارد، شیاطین درون و برون سعی کرده‌اند تا با لطایف‌الحیل نظام و بنیاد روابط خانوادگی انسان‌ها به ویژه مسلمانان را دچار تحریف و تخریب کرده و از معنویت و سلامت آن بکاهند. اکنون به گوشه‌ای از این آفات و موانع که باعث عدم رشد معنویت در خانواده‌ها و تضعیف و تزلزل کانون مقدس و گرم خانواده‌ها شده و می‌شود، اشاره می‌کنیم:

الف: روابط همسران با یکدیگر

- عدم و ضعف شناخت صحیح از حقوق متقابل و آئین همسررداری و اهمیت ندادن به آن. (مؤسسه قدر ولایت، خانواده موفق، ۱۳۹۲ ش.)
- احساس وظیفه‌نکردن، عدم آشنایی با وظایف و عمل‌نکردن به وظایف متقابل همسران. (شریعت‌زاده خراسانی، ۱۳۸۶ ش.)
- عدم مراعات ادب و اخلاق لازم در قبال یکدیگر و عدم مهرورزی و محبت قلبی و تصنعی رفتار کردن.
- اولویت‌دادن به مادیات و تجملات و رفاهیات ظاهری در زندگی و تعجیل در دستیابی بدان.
- خشونت‌ورزی، تندخویی، مجادله، لجاجت، اقتدارگرایی ناروا، دروغ‌گویی و نفاق.
- رقابت‌های بی‌جا با یکدیگر و با دیگران و قیاس‌های مع‌الفارق و نامربوط.
- آلودگی محیط خانواده به تباهی و غنا و آلات لهو و لعب. (آژیر، ۱۳۹۰ ش.)

ب: روابط با فرزندان

- گریز از صاحب‌فرزندشدن و پذیرفتن مسئولیت‌پذیری و مادری و تحت‌الشعاع قرارگرفتن ترکیب و توازن جمعیتی.
- بسنده کردن به حداکثر یک تا دو فرزند حتی کسانی که دارای تمکن مالی و... هستند.
- اهمیت و اولویت‌ندادن به تربیت روحی، روانی، عاطفی، دینی، اخلاقی و اجتماعی فرزندان. (سادات، ۱۳۸۳ ش.)

- اشتغال مادران در بیرون از خانواده و کم گذاشتن در رسیدگی به فرزندان و ضعف کمی و کیفی ارتباط با فرزندان.
- سپردن فرزندان به مهد کودک و عدم توجه و نظارت لازم بر تأمین نیازهای جسمی و روحی آنان.
- ضعف محبت و مهرورزی و ارتباط صمیمانه و عاطفی با فرزندان.
- عدم شناخت کامل مسائل مهم و مؤثر مربوط به تعلیم و تربیت و روانشناسی کودک، نوجوان و جوان. (شریعت‌زاده خراسانی، ۱۳۸۶ ش.)
- عدم توجه کافی و وافی به تغذیه و رژیم غذایی فرزندان و روی آوردن به رژیم‌های مضر و غیر سالم.
- توجه نداشتن به نقش الگوها در شخصیت فرزندان و معرفی نکردن الگوهای مناسب.
- مراعات نکردن دستورات دینی در تولید نسل، ولادت، بلوغ و... مثل نام نیکو، عقیقه کردن، آموزش قرآن، جشن تکلیف و... (بیگی، ۱۳۸۹ ش.)

ج: روابط با والدین

- عدم یا ضعف شناخت وظایف دینی، اخلاقی و اجتماعی نسبت به والدین. (آزیر، ۱۳۹۰ ش.)
- نبود دیدگاه الهی و مقدس نسبت به پدر و مادر و صرفاً آنها را حامی مالی و مادی دانستن.
- مطالبات بی‌جا و بی‌حد مادی و رفاهی از والدین داشتن.
- اهمیت نداشتن نظر و رویکرد والدین در نزد فرزندان و کهنه و سنتی دانستن آنها.

- عدم مشورت و هماهنگی و ارتباط و انس صمیمانه با والدین.
- زیاد شدن فاصله‌های فکری، عاطفی و حتی طولانی شدن زمان‌های دیدار و ملاقات با والدین.
- عدم تحمل والدین پیر، از کار افتاده، مسن و عدم رسیدگی به امور و نیازمندی‌های آن‌ها.
- سپردن والدین به خانه سالمندان و بی‌مهری و بی‌توجهی به آنان.

د: روابط با سایر خویشاوندان

- بی‌اهمیت بودن روابط خویشاوندی و تضعیف آن و بسنده کردن به اقوام درجه یک.
- ارتباط برقرار کردن با خویشاوندان بر اساس معیارهای مادی و ظاهری مثل: مقام، ثروت و قدرت.
- تضعیف روابط اجتماعی و محدود شدن آن حتی در ایام مرگ و عروسی و اعیاد و ...
- تضعیف روابط محبت‌آور و معنوی مثل هدیه‌دادن متقابل، عیادت از بیمار، میهمانی دادن‌های ساده و سالم. (دزفولی، ۱۳۶۹ ش.)

روشن است که این افکار انحرافی و اخلاق حیوانی و اعمال غیر انسانی که غیریت آن‌ها با افکار و اخلاق و رفتار ناب اسلامی و انسانی کاملاً مشهود است نه تنها به رشد و ترقی معنویت، انسانیت، سلامت، امنیت و فضائل و کمالات فردی، خانوادگی و اجتماعی کمک نمی‌کند، بلکه مانعی است در مقابل قرب و صعود و وصول به حقیقت و سعادت و سبک زندگی اسلامی و ایده‌آل زندگی و به علاوه بر اختلافات، اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، نابسامانی‌ها، افسردگی‌ها، جدایی‌ها، فاصله‌ها، خصومت‌ها، خشونت‌ها، دردها و مصائب می‌افزاید که از جمله آن‌ها می‌توان به

طلاق، اعتیاد، خودکشی، فرار از خانه و حتی افزایش بیماری‌های بدنی و جسمی و... اشاره کرد. (نحوی، ۱۳۸۸ ش.)

بدحجابی و خودآرایی

عفت از ارزش‌های اصیل انسانی و ارکان اخلاق اسلامی است و معنای آن خودداری از انجام امر قبیح و ناپسند و خودکنترلی از شهوترانی حرام می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۲ ش.) این صفت و ملکه زینت باطنی است که در حقیقت تعدیل و تربیت قوه شهویه و جلوگیری از حد افراط (شده) و تفریط (خمود) محسوب می‌شود. به عبارت دیگر حقیقت عفت حاکمیت عقل و شرع در بهره‌مندی از غرایز و شهوات است. (دیلمی و همکاران، ۱۳۸۰ ش.) عفت نه تنها خود یک خلق و خصلت معنوی، انسانی و الهی است، بلکه منشأ فضایل و معنویات کثیری است که بخش اعظمی از زیبایی‌های اخلاقی در مکاتب دینی و انسانی را شامل می‌گردد.

با عنایت به نقش بی‌بدیل عفت در سلامت و معنویت فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان، قرآن کریم بر عفت ورزی و عقیفانه زندگی کردن تأکید و سفارش نموده و آن را واجب دانسته و جلوه‌ها و مصادیقی از آن را امر فرموده است. بالاخص آیاتی از سوره نور را به این موضوع درمانگر اختصاص داده است. (نور: ۱-۳۰) در این آیات علاوه بر اهمیت و ضرورت اصل عفت، به ابعاد آن نیز اشاره شده است که عبارتند از عفت در نگاه، عفت در دامن، عفت در پوشش، عفت در کردار و عفت در گفتار. البته عفت دارای مراتب و درجاتی است که از برترین و دوست‌داشتنی‌ترین آن، پاکدامنی (عفت جنسی) و عفت شکم ذکر شده است. (بیگی، ۱۳۸۹ ش.)

همانگونه که ملاحظه شد در اسلام یکی از مصادیق عفت، آرایش و پوشش مناسب (حجاب) و پاکدامنی است که آثار و فواید زیادی در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و... در پی دارد. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱ ش.) در مقابل آن بدحجابی و خودآرایی (شهوترانی) و به عربی «تبرج» قرار دارد. البته رابطه عفت و پوشش از جهتی رابطه باطن و ظاهر است. (اکبری، ۱۳۸۳ ش.) این رذیلت فکری و عملی به عنوان یک آفت و بیماری از جهات حقوقی، اخلاقی، دینی، قانونی، روانی و اجتماعی ناپسند و گناه و بیماری محسوب می‌شود. چون حقوق مرد و زن خانواده را ضایع می‌کند، خلاف اخلاق خانوادگی است، از نظر دینی حرام است، خلاف قانون فطری و اجتماعی می‌باشد، باعث تشویش اذهان و تحریک قوای شهوی و برهم‌زدن سلامت و آرامش افراد و خانواده‌ها و بلوغ زودرس جنسی می‌شود، فسادهای اجتماعی به دنبال دارد و عامل جرم و جنایات عدیده‌ای می‌گردد. درحقیقت بدحجابی و خودآرایی نوعی دعوت به گناه و فساد جنسی است.

به عبارت دیگر بدحجابی، بی‌حجابی، خودآرایی برای نامحرمان، بدعت و انحرافی است در مقابل قانون فطری، الهی و اخلاقی که استحکام و قداست و معنویت و سلامت و سعادت خانواده‌ها را تضعیف و تخریب می‌کند و مانع رشد و ترقی انسانیت می‌گردد و پیامدهای منفی و زشتی همچون سرانجام سوء و سیاه، اندوه و بیماری‌های جسمی و روانی، بردگی و اسارت روحی، خودکشی معنوی، فتنه‌گری و ده‌ها گناه و شقاوت به دنبال دارد. (اکبری، ۱۳۸۳ ش.) به ویژه در ساحت و عرصه خانواده باعث جدایی و طلاق، سست شدن بنیاد خانواده، سقوط ارزش‌های معنوی، بی‌اعتمادی، رکود فکری و استعدادی، خیانت، تنش و درگیری، خشونت و خصومت و... می‌گردد. (اکبری، ۱۳۸۳ ش.) آرامش روانی

خانواده و فرد و جامعه را برهم می‌زند، ناامنی‌ها را افزایش می‌دهد، احترام و ارزش افراد مخصوصاً زنان را کاهش و بیماری‌های مقاربتی (جسمی) و روحی روانی را گسترش می‌دهد، آسیب‌ها و هزینه‌های اقتصادی جامعه را افزایش می‌دهد و... . (بیات، بی‌تا) به علاوه از بین رفتن سرمایه‌های انسانی جامعه (جوانان)، گسترش بی‌حیایی، بی‌آبرویی و بی‌بند و باری (بی‌قداستی و بی‌معنویت) و افزایش آمار دختران و پسران فراری نیز از عواقب بدحجابی ذکر شده است. (نحوی، ۱۳۸۸ ش).

البته این‌ها بخشی از عواقب و پیامدهای سوء بی‌حجابی، بدحجابی و خودآرایی است که در زندگی و حیات دنیوی اتفاق می‌افتد و از جهت فکری، اخلاقی و رفتاری در سطوح مختلف فردی و اجتماعی مشکلات و مصائبی به وجود می‌آورد و نظام و سلامت جامعه را برهم می‌زند. منابع دینی نشان می‌دهد که بی‌حجابی نتایج سوء و آثار خطرناکی در آخرت نیز برای بدحجاب‌ها اعم از زن و مرد بالاخص زنان به دنبال دارد و مایه عذاب دردناک برای آنان می‌شود. (آزیر، ۱۳۹۰ ش).

تبرج و خودآرایی به عنوان آسیب و آفتی خطرناک و مخرب، نقش اساسی در ممانعت از رشد و تکامل معنوی فرد، خانواده و اجتماع دارد. این بیماری روحی و روانی خود زائیده آفات دیگری است که ضرورت دارد به آن اشاره شود. قدر مسلم آن است که عامل اصلی و ریشه بسیاری از انحرافات و گناهان و رذایل و ضد ارزش‌ها، نبود و یا ضعف پایه‌ها و مایه‌های معرفتی و اعتقادی و سست بودن باورها و ایمان‌های قلبی است که به همراه عدم تهذیب اخلاقی و مجاهدات نفسانی و استمرار و تقویت آن‌ها در زندگی، باعث بروز رفتارهای ضد ارزشی و ضد معنوی از جمله مصادیق بی‌عفتی و کم‌عفتی در افراد می‌شود. مخصوصاً زمانی که

فشار و قدرت قوای شهوانی و عوامل تحریک آنها بیشتر باشد (جوانان) پیامدهای زشت و شیطانی آن نیز افزایش می‌یابد.

تبلیغ و ترویج بی‌عفتی، بی‌حجابی، فرهنگ برهنگی توسط خودی و غیر خودی از طریق رسانه‌های مختلف و متنوع و با کمک ابزار و شیوه‌های نافذ و جذاب و مؤثر هنری به صورت برنامه‌ریزی شده و هجومی (جنگ نرم) از یک سو و بی‌توجهی و غفلت و ضعف و بی‌برنامگی و... خانواده‌ها، جوانان، مراکز مسؤول فرهنگی و... از عوامل بروز و ظهور این انحرافات و آفات می‌باشد.

در همین راستا، بیماری چشم‌چرانی و عدم کنترل و نظارت دیده‌ها و نگاه‌ها، خلوت کردن با نامحرم و عدم مراعات خطوط قرمز در روابط با نامحرم و اختلاط مرد و زن در محیط‌های رسمی و غیر رسمی، گوش دادن به موسیقی‌های مبتذل و رؤیت فیلم‌ها و عکس‌های تحریک‌کننده و مضر، پیام‌ها و نامه‌ها و نجوای‌های شیطانی مستقیم و غیر مستقیم رسانه‌ای و غیر رسانه‌ای، دوستی‌ها و عشق‌های حیوانی، احساسی، مجازی، دروغ و فریبکارانه و... نیز عفت و پاکدامنی خانواده‌های مسلمان را تخریب و تضعیف کرده و می‌کند. (اکبری، ۱۳۸۳ ش). البته عواملی چون بیکاری و عدم اشتغال مناسب، جهل و ناتوانی مدیران و نهادهای مسؤول فرهنگی و بعضاً بی‌تعهدی و نفوذی بودن عده‌ای از آنها، فقر و تنگدستی، اعتیاد، اهداف سوء بعضی از جریان‌های سیاسی و... نیز در این پدیده شوم بی‌تأثیر نیستند.

اسراف و تجمل‌گرایی

بی‌تردید انسان برای ادامه حیات و بقاء نیازمند مادیاتی همچون مسکن، لباس، وسایل و لوازم خانگی، غذا و... است تا به عنوان ابزار، زمینه و بستری شایسته

برای آسایش، آرامش، رشد، سلامت و سعادت جسمی و روانی وی باشد و مقدمه‌ای برای تکامل و تقرب انسان گردد. با این وصف در منابع اسلامی کار و تلاش برای تأمین نیازهای خانواده جزء ارزش‌های معنوی و دینی محسوب می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷ ق.)

علاوه بر آن مدیریت اقتصادی خانواده همراه با تدبیر و برنامه‌ریزی در شریعت اسلامی تحت عنوان «تقدیرالمعیشه» از عوامل کمال و معنویت و زندگی سالم و متعادل دانسته شده است. (محدثی، ۱۳۸۹ ش.) در خانواده مردان مسؤلیت و حمایت مالی از زنان و فرزندان را بر عهده دارند تا زنان نقش بیشتری در فراهم آوردن آرامش خانواده و تربیت فرزندان ایفا نمایند. (نساء: ۳۴؛ بقره: ۲۳۳) این تقسیم کار، نقش مؤثری در پایداری، پیوند، همبستگی و ایجاد رفاه و آسایش خانواده ایفا می‌کند؛ همانگونه که عدم تعهد و بی‌مسئولیتی مرد در تأمین نیازهای مالی و رفاهی و معاش خانواده چه بسا موجب فقر و در نتیجه فروپاشی و طلاق می‌گردد، (آیت‌اللهی، ۱۳۹۲ ش.؛ سالارزایی، ۱۳۸۹ ش.) لذا از منظر اسلام نیاز خانواده به تأمین معاش و مایحتاج زندگی از ضروریاتی است که اصالتاً بر عهده مرد خانواده است و زن نیز می‌تواند بنا بر ضرورت و با رعایت ضوابط و موازین شرعی و شأنی اقدام به اشتغال و مشارکت در معاش خانواده نماید. (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۱ ش. آیت‌اللهی، ۱۳۹۲ ش.) لازمه سلامت و ارتقاء مادی و معنوی خانواده، تأمین نیازهای اقتصادی و رفاه اولیه، در حد اعتدال می‌باشد، اما از این بعد نیز آسیب‌ها و آفاتی متوجه خانواده می‌گردد؛ به نحوی که این آیت و نعمت خدادادی که منبع نورانیت و سکونت و آرامش است، عامل تنش، دغدغه و نگرانی و بیماری‌های روانی برای اعضای خانواده و اجتماع می‌شود. این آفات شامل اسراف، تبذیر و تجمل‌گرایی است. اسراف به معنای تجاوز از حد وسط (ابن

منظور، ۱۴۱۰ ق.) و در قرآن به معنای تجاوز از حد در هر کاری است که آدمی انجام می‌دهد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق.) تبذیر نیز نزدیک به همین معنا، برای نابود کردن و هدر دادن مال بکار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق.) و معادل «ریخت و پاش» در فارسی می‌باشد. (معین، ۱۳۶۳ ش.) تجمل‌گرایی به معنای مصرف‌گرایی افراطی و انجام هزینه‌های اضافی برای تأمین لوازم و امکاناتی که صرفاً زیبایی ظاهری و تشریفاتی دارند، اطلاق می‌گردد.

اسلام به شدت با چنین تفکرات و اقداماتی مخالف بوده و از آن نهی کرده است و مسرفان را دور از رحمت الهی و اهل دوزخ شمرده است. (اعراف: ۳۱؛ غافر: ۴۳) همچنین اهل ریخت و پاش، برادران شیطان نام گرفتند. (اسراء: ۲۷) نهی شدید اسلام از اسراف و تبذیر و توصیه به اعتدال (اقتصاد) و قناعت و پرهیز از پیروی جاهلانه در مصرف به دلیل آن است که اسراف و تجمل‌گرایی عواقب سوئی در سلامت جسمی و روانی دارد؛ از جمله تضعیف فرهنگ و ارزش‌های دینی، درآمدزایی نامشروع و حرام، اختلافات و تنش‌های زناشویی و خانوادگی، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش جمعیت و زاد و ولد، کم شدن احساس آرامش و لذت زندگی، کاهش تولیدات داخلی، تضعیف استقلال ملی، وابستگی به بیگانگان، (مختاری و همکاران، ۱۳۹۲ ش.) افزایش بیماری‌های روحی، کم برکتی و گسترش فقر، سقوط اخلاقی، خصومت و خونریزی، خشم الهی، (سبحانی یامچی، ۱۳۸۸ ش.) زیاده‌روی در کار و اشتغال مفرط، خستگی و بی‌حالی، کاهش حضور والدین در خانه و

موارد ذکر شده بخشی از آثار و عواقب سوء و پیامدهای ناگوار این رذیلت اخلاقی در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و به طور کلی سلامت و آرامش و معنویت را مخصوصاً در خانواده‌ها تحت الشعاع

قرار می‌دهد. برخی از مصادیق اسراف که حقیقتاً چون بیماری صعب‌العلاجی در خانواده‌های مسلمان نفوذ کرده است عبارتند از:

اسراف، زیاده‌روی، مصرف گرایی، لوکس‌گرایی، هدر دادن و مصرف نادرست در پوشاک، خوراک، لوازم خانگی، مسکن، مصالح ساختمانی، اتومبیل، وسایل حمل و نقل، سوخت و انرژی (نفت، گاز، بنزین، برق، آب) و... . متأسفانه این اسراف‌ها که گناه کبیره محسوب می‌شود نه تنها در بسیاری از خانواده‌ها و مراسم شادی و عزای آن‌ها صورت می‌گیرد، بلکه در خیلی از سازمان‌ها و نهادهای حکومتی نیز رخ می‌دهد. زشتی اسراف و ولخرجی بخصوص وقتی آشکارتر می‌گردد که در جامعه و در همسایگی خانواده‌ها افرادی نیازمند وجود داشته باشند. آیا چنین جوامع، خانواده‌ها و افرادی از سلامتی و معنویت برخوردار خواهند شد و مورد عنایت ویژه و رحمت و برکت خداوند قرار خواهند گرفت؟

ملت اسراف‌کار بینوا	می‌کند سرمایه را دود هوا
ملت ولخرج می‌گردد فقیر	ملتی وابسته، محتاج و اسیر
هر که را مصرف ز حد افزون بود	عاقبت افسرده و دلخون بود
باید از اسراف‌ها مانع شویم	رو به فرهنگ قناعت آوریم

(محدثی، ۱۳۸۹ ش.)

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «دل‌ها را با زیاد خوردن و زیاد نوشیدن نمیرانید، زیرا قلب همچون کشته‌ای است که چون آب آن زیاد شود نابود می‌شود». (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۵ ش.) این روایت در نکوهش پرخوری به عنوان یکی از مصادیق اسراف است که صرفاً ناظر به عواقب منفی در جسم نیست، بلکه ناظر به قلب باطنی است که جایگاه کمالات و ارتقای معنوی است و اسراف در خوردن آن را می‌میراند و بیماری‌های روحی ایجاد می‌کند. این نکته نیز مهم است که انگیزه

اسراف و تبذیر و مصرف جاهلانه و تجملاتی منشأ فکری و اخلاقی دارد و رذایل و انحرافات مثل جهل و نادانی، فقر ایمان، خودنمایی، تفاخر، چشم و هم‌چشمی، ریا و ظاهرسازی، طغیان‌گری، ثروت‌های حرام و بادآورده، غفلت از بغض و عذاب خدا، بی‌توجهی به سنت و سیره معصومین (ع) و اولیاء و عرفای الهی و... را شامل می‌شود که درمان آن تقویت آگاهی‌های دینی و اخلاقی و تهذیب و مجاهده نفس توسط افراد و فرهنگ‌سازی و الگوسازی و... توسط حکومت‌ها و سازمان‌ها و نهادها می‌باشد.

تغییر سبک خواب و بیداری

خلقت انسان و هستی به نحوی است که او را نیازمند بیداری برای کار و تلاش و پیگیری امور زندگی و نیز خواب برای استراحت و تجدید قوا کرده و در عین حال اوقات خاصی (روز) را متناسب برای بیداری و فعالیت انسان قرار داده و زمان ویژه‌ای (شب) را برای خواب و استراحت تعیین کرده است. خالق هستی این واقعیت را در قرآن تصریح کرده است. (انبیاء: ۱۰ و ۱۱) نظم و انضباط در خواب نه تنها توسط اسلام مورد تأکید قرار گرفته است، بلکه دانشمندان علوم زیستی و پزشکی نیز بر آن تأکید کرده و آن را از مسلمات دانسته‌اند. (غفاری، ۱۳۸۴ ش.)

فلسفه و حکمت این امر آن است تا صحت و سلامت بدنی و روحی انسان بیش از پیش تأمین گردد، زیرا خواب و بیداری و کار و استراحت در زمان و اندازه معین، نقش تعیین‌کننده و مستقیمی در بهداشت جسمی و روانی دارد. از آنجا که محل خواب و بیداری خانه و خانواده می‌باشد آثار و پیامدهای آن نیز ابتدا متوجه خانواده می‌شود و سپس جامعه را دربر می‌گیرد. چنانچه برنامه و سبک

صحیح و منظمی در این خصوص وجود داشته باشد باعث ارتقا سلامت می‌گردد. امروزه در زندگی عده زیادی از مسلمانان به تبع دنیای مدرن غربی و رشد ماشینی و صنعتی، برنامه و نظم طبیعی خواب و بیداری از جهت کمی و کیفی تغییر پیدا کرده است، به جای آنکه افراد در شب و به موقع خوابیده و در سحر بیدار شوند و از صبح زود کار و تلاش خود را آغاز کنند و عبادات واجب و مستحب دینی خود را در اوقات تعیین شده شب و روز بجا آورند، تا حدودی برعکس عمل می‌کنند. شب‌ها نمی‌خوابند یا کم می‌خوابند و شب را به بطالت و بیهودگی می‌گذرانند و روزها را در خواب به سر می‌برند و به طور کلی کم و کیف گذر عمر خود را برخلاف نظام خلقت ترتیب داده‌اند و اوقات متناسب با خواب و بیداری را مراعات نمی‌کنند. این درحالیست که در آموزه‌های اسلامی آمده است خواب بیجا شکننده تصمیم‌های روزانه است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۴۱) و جز با تلاش و جدیت به حق نمی‌توان رسید. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۰) اگر برای گذران اوقات و صرف عمر نظم و برنامه وجود نداشته باشد، سرمایه عمر هدر می‌رود در حالی که تدبیر، نظم و برنامه‌ریزی بهره‌وری از زمان را می‌افزاید. در اسلام به نظم و تقوی با هم توصیه شده است. (محدثی، ۱۳۸۷ ش.)

البته به جز ضرورت‌های خاص و موقتی که برای عده‌ای اتفاق می‌افتد تا بالاجبار در شب مشغول کار شوند و روز را به استراحت پردازند مثل کسانی که وظیفه نگهبانی و برقراری نظم و امنیت جامعه را بر عهده دارند و نیز بیداری سحرگاهی برای تهجد و ذکر و عبادت، برای عموم برهم‌زدن نظم طبیعی زمان خواب و بیداری آثار سوئی بر سلامت روحی و جسمی دارد که از جمله آن تنبلی، سستی و بی‌حالی است که جوهره آن آسیب‌های روانی، تعویق‌انداختن وظایف و امور، تعلل ورزیدن، ساده‌انگاری و سهل‌انگاری در کار است و امور فردی،

خانوادگی و اجتماعی را تحت تأثیرات منفی قرار می‌دهد که در اسلام به آن تهاون، ممانعت و تسویف اطلاق می‌شود. (آقاتهرانی، ۱۳۹۰ ش.)

آفات و آسیب‌هایی که قداست و معنویت و سلامت خانواده را دچار خدشه و مشکل می‌کند و مانع رشد و ارتقاء معنویت در زیست خانوادگی می‌شود، به آنچه ذکر شد منحصر نمی‌گردد و شامل تغییر در الگو و سبک معماری و ساخت منزل اسلامی (برونی و درونی)، تزئینات و تصاویر و تابلوهای نامناسب درون منزل، استفاده لجام گسیخته و بدون کنترل از رسانه‌های دیجیتال (ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و...) افراط و تفریط در تفریحات و عوامل نشاط و شادی، افراط و تفریط در انجام مراسم مذهبی و عبادات، دگرذیسی و تغییر در سبک تغذیه، روی آوردن به شغل‌های کاذب و شبه‌ناک و حرام، حرص و طمع در جمع مال و منال، پوشش‌ها و آرایش‌های غیر متعارف و اجنبی، توجه به شبه معنویت‌ها و عرفان‌های کاذب و... نیز می‌گردد و در مجموع تحولات محتوایی و شکلی در سبک زندگی اسلامی را در پی دارد که هر کدام به طور جداگانه نیاز به بررسی، تحلیل و آسیب‌شناسی جدی دارد. اما به دلیل محدودیت حجم این مقاله، نمی‌توان به شرح و تفصیل این مطالب پرداخت. امید است توفیق بررسی و تحلیل آن را در مقاله‌ای دیگر خداوند عنایت فرماید.

نتیجه گیری

۱- خانواده از منظر قرآن و روایات، منبع و مرکز رحمت و ام‌الفضائل و مولد معنویت و سلامت و آرامش است؛ به شرط آنکه در تشکیل، اهداف، برنامه‌ها، روابط، عناصر و مؤلفه‌های آن ارزش‌ها و باورهای فکری، اخلاقی، رفتاری، دینی و انسانی لحاظ گردیده و احکام و آداب مربوطه حاکم باشد.

۲- با عنایت به قداست و برکت بی‌بدیل خانواده و تأثیر بی‌قید و شرط آن در رشد و تعالی افراد و جامعه و... عوامل مختلفی (خودی و غیر خودی) به صورت عمدی یا سهوی، پیدا و پنهان به تضعیف، تحریف و تخریب این آیت و نعمت الهی کمر بسته اند. لذا خانواده‌های مسلمانان به طور جدی مورد همه انواع و اقسام خطرات و آفات است که سرفصل‌ها و عناوین مهم آن به شرح ذیل می‌باشد:

۳- کاهش میل و رغبت به ازدواج، عدم پذیرش مسؤولیت‌های خانوادگی، شیوع زندگی مجردی، بالارفتن سن ازدواج، پرهیز از فرزندپرووری، اکتفا کردن به حداقل فرزند، پررنگ شدن مادیات و سنت‌های غربی در فرایند تشکیل خانواده و... که خود نتیجه فاصله گرفتن از معارف و فرهنگ دینی و جایگزینی فرهنگ و سنت‌های غیر اسلامی است.

۴- سردی روابط خانوادگی، بی‌اعتمادی و بدبینی و عدم احترام و ادب متقابل نسبت به یکدیگر بین اعضای خانواده، عدم محبت، صمیمیت، صفا و روابط معنوی و حسنه بین همسران، والدین و فرزندان و زیاد شدن فاصله‌های قلبی و حتی ارتباطات فیزیکی در درون خانواده و با خویشاوندان نزدیک، خشونت و خیانت به دلیل ناآگاهی و کم‌توجهی و بی‌اهمیت دانستن وظایف، آداب و ضوابط مربوط به معاشرت از نظر دینی و اخلاقی.

۵- گسترش و شیوع کم‌عفتی، بدحجابی و خودآرایی مخصوصاً در زنان، روان شدن ارتباطات نامشروع، فسادهای جنسی، عبور از خطوط قرمز اخلاقی و قانونی و... که باعث تزلزل و تضعیف بنیان خانواده‌ها و بالارفتن آمار طلاق گشته است.

۶- اسراف، تبذیر و تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی که عامل بسیاری از نگرانی‌ها و ناهنجاری‌های ذهنی و عملی در درون خانواده‌ها گردیده و لطمات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز به دنبال دارد.

۷- تغییر در الگو و سبک و کم و کیف خواب، بیداری، مسکن، تغذیه، پوشاک، تفریحات، عبادات و سایر مؤلفه‌های کوچک و بزرگ خانواده‌ها و روی آوردن به الگوها و سبک‌های بیگانه و غیر اسلامی.

همه آفات، آسیب‌ها، بیماری‌های ذکرشده به همراه مواردی که ذکر آن میسر نشد به صورت پنهان و آشکار موانعی هستند که سلامت و معنویت خانواده‌های اسلامی را به شدت تهدید کرده و کارکردهای مثبت خانوادگی را تبدیل به سلبی و منفی کرده و در نتیجه خانواده‌ها و جامعه را روز به روز از اهداف متعالی و قرب الهی دور ساخته‌اند. عامل و منشأ این آفات و آسیب‌ها از درون غفلت، عدم التزام و دور افتادن از فرهنگ دینی است و از بیرون تلاش‌های سازمان‌یافته و تهاجم نظام استکباری است که پیشرفت همه‌جانبه مخصوصاً رشد و ارتقای نظام سلامت جامع ملت مسلمان به ضرر آنهاست. در این راستا مؤثرترین و نافذترین ابزار بدخواهان برای تضعیف و تخریب استحکام معنوی خانواده‌ها، استفاده از امپراطوری رسانه‌ای و تبلیغاتی است که خانواده‌ها را تسخیر کرده است.

مهم‌ترین راه حل پیشگیری و درمان این آسیب‌ها و آفات بازگشت جدی و کامل و اعتماد بر ظرفیت‌های ارزشی و اخلاقی منابع ناب اسلامی و استفاده از بهترین ابزارها و نوع‌آوری‌های مادی و معنوی دنیا برای مقابله با تهاجم و جنگ نرم دشمنان می‌باشد.

فهرست منابع

- ابن منظور مصری، جمال‌الدین محمدبن مکرم. (۱۴۱۰ ق.). *لسان‌العرب*. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
- اعرافی، علیرضا. (۱۳۷۶ ش.). *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- اکبری، محمود. (۱۳۸۳ ش.). *مروارید عفاف*. چاپ سوم. قم: انتشارات ظفر.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۸ ش.). *انتخاب همسر*. چاپ هفدهم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- انصاریان، حسین. (۱۳۷۹ ش.). *نظام خانواده در اسلام*. چاپ چهاردهم. قم: انتشارات ام‌بیها.
- آقاتهرانی، مرتضی. (۱۳۹۰ ش.). *اهمال کاری*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره).
- آیت‌اللهی، زهرا. *اخلاق خانواده*، ۱۳۹۲، چاپ یازدهم، قم: نشر معارف.
- بستان، حسین. (۱۳۹۰ ش.). *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۹ ش.). *سبک‌شناسی نشر*. ج اول. چاپ سوم. تهران: انتشارات پرستو و امیرکبیر.
- بیات، بهرام. *فرا تحلیل آسیب‌های اجتماعی*. معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، بی تا، بی جا.
- بیگی، روح‌الله. (۱۳۸۹ ش.). *ارزش‌های اجتماعی در قرآن*. چاپ دوم. تهران: انتشارات اسوه.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۵ ش.). *ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل*. چاپ پنجم. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جمالی، مصطفی. (۱۳۹۲ ش.). *استمرار انقلاب به کدام روایت*. چاپ اول. قم: فجر ولایت.
- حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۳۸۹ ش.). *آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (ع)*. ترجمه. محمدعلی فارابی. چاپ سیزدهم، مشهد مقدس: انتشارات آستان قدس رضوی.
- دیلمی، احمد. آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۰ ش.). *اخلاق اسلامی*. چاپ اول. قم: نشر معارف.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد. (۱۳۷۲ ش.). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن*. خسروی، سید غلامرضا. تهران: انتشارات مرتضوی.
- رضوان طلب، محمدرضا. (۱۳۸۸ ش.). *آیین اخلاقی دانشجویان*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات حفیظ.
- سادات، محمدعلی. (۱۳۸۳ ش.). *رفتار والدین با فرزندان*. چاپ نهم. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- سالارزایی، امیرحمزه. (۱۳۸۹ ش.). *حقوق و شکوه زن در نظام حقوقی اسلام*. چاپ اول. زاهدان: اداره کل فرهنگ ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان.
- سبحانی یامچی، محمد. (۱۳۸۸ ش.). *اصلاح الگوی مصرف*. تهران: انتشارات هستی‌نما.
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. (۱۳۶۰ ش.). *موانع و عوامل رشد در خانواده*. تهران: انتشارات سپاه.
- شریعت‌زاده خراسانی. (۱۳۸۶ ش.). *آئین زندگی*. چاپ اول. قم: انتشارات خادم‌الرضا (ع).
- غفاری، محمود. (۱۳۸۴ ش.). *اسرار پزشکی نماز شب*. چاپ سوم. قم: نشر شهاب‌الدین.

فرج خدا، تهمین و دیگران. (۱۳۹۱ ش.). *اندیشه راهبردی زن و خانواده*. «مجموعه مقالات، اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده». جلد اول. تهران: اداره امور فرهنگی سیاسی خواهران نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

قرآن مجید.

کریمی، خدابخش. (۱۳۸۷ ش.). *مؤلفه‌های سلامتی و بهداشت در ادب منظوم فارسی*. چاپ اول. موسسه فرهنگی و هنری زیتون سبز.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ ق.). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کمالی، علیرضا. (۱۳۸۶ ش.). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. چاپ دوازدهم. قم: نشر معارف.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۴ ش.). *بحارالانوار*. چاپ سوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

محبوب، محمدجعفر. (۱۳۵۰ ش.). *سبک خراسانی در شعر فارسی*. چاپ اول، تهران: بی‌جا.

محدثی، جواد. (۱۳۸۷ ش.). *گهر عمر، درسهایی از نهج‌البلاغه*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

محدثی، جواد. (۱۳۸۹ ش.). *اخلاق*. چاپ اول. قم: انتشارات نور السجاد.

مختاری، نادر. اکبری، سمیه. (۱۳۹۱ ش.). نقش زن در ارتقاء مدیریت مصرف خانواده با نگاهی به آیات و روایات، «مجموعه مقالات، اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده». جلد اول. تهران: اداره امور فرهنگی سیاسی خواهران نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

مرکز صهبا. (۱۳۹۲ ش.). *خانواده*. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی.

مشکور، سید عبدالله. (۱۳۸۶ ش.). *از آداب مسلمان زیستن*. چاپ سوم. قم: انتشارات پیام مهدی (عج).

معین، محمد. *فرهنگ فارسی معین*. جلد دوم. چاپ ششم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت. (۱۳۸۰ ش.). *اخلاق و معنویت در آینه نگاه مقام معظم رهبری*. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت. (۱۳۹۲ ش.). *ازدواج موفق*. چاپ دوم. قم: انتشارات موسسه قدر ولایت.

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت. (۱۳۹۰ ش.). *روانشناسی آرامش و راحتی*. چاپ پنجم. تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت.

مهدی‌زاده، حسین. (۱۳۸۱ ش.). *حجاب‌شناسی*. چاپ اول. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). (۱۳۸۹ ش.). *خانواده پویا*. جلد هشتم. چاپ سوم. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). (۱۳۸۶ ش.). *خانواده پویا*. جلد دوم. چاپ هفتم. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

نحوی، سید سیف‌الله. (۱۳۸۸ ش.). *نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات*. چاپ اول. تهران: انتشارات نورالسجاد.

نصراللهی، زهرا. برهان پناه، مریم. (۱۳۹۱ ش.). بررسی اثر اشتغال زنان بر جامعه و خانواده با رویکرد پویایی سیستم، «مجموعه مقالات، اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده». جلد دوم. تهران: اداره امور فرهنگی سیاسی خواهران نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

نهج البلاغه. ترجمه دشتی. ۱۳۸۵، تهران: انتشارات پیام عدالت.

نهج الفصاحه. ترجمه علی کرمی فریدنی. (۱۳۸۵ ش.). قم: انتشارات حلم.

هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق. (۱۳۶۱ ش.). برخی از مسائل زندگی‌ساز اسلامی. قم: انتشارات در راه حق.

یادداشت شناسه مؤلفان

دادخدا خدایار: استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.
(نویسنده مسؤل)

نشانی الکترونیک: abazeynab@yahoo.com

مهدی قائمی: کارشناسی ارشد قرآن و حدیث.

ابراهیم فلاح: عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ساری، مازندران، ایران.

Obstacles of life improvement in family from the perspective of Islam

Dadkhoda Khodayar

Mahdi Ghaemirad

Ebrahim Fallah

Abstract

The spirituality crisis is one of the Consequences of the modern age. Studies and experience show that for growth and spirituality obtaining, it's necessary that the issues such as Cognition, attention, action and turning to religion and its precepts, take priority. From Islamic view, the sacred institution of the family is one of the major centers and cores of production and export of spirituality. In Islam, the Philosophy of making family, as the smallest social institution, is making love, joy, holiness, spirituality, health, peace, prosperity and growth for its members and the community. But the obstacles and damages not only doesn't cause ascendancy and spiritual promotion of family, in its formation process, But also, as a reversed result, make it disjointed.

Therefore, the aim of this paper is recognition and analyzing the most important pests and digressions that hinder spiritual growth of the family based on Islamic criteria. It is assumed that the issues such as aversion to marriage, refrain from generation producing, family relationships loss, extravagance and luxury, changes in sleep-wake style and so on are because of weaknesses in the cognitive, moral and religious beliefs and values, and organized media propaganda. They are major obstacles that have plagued many Muslim families and have led to a decline in moral values. This article is based on research conducted in libraries and documentation.

Keywords

Spiritual Health, Lifestyle, Family Life Inconvenience, Spiritual Growth Barriers